

# رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمان

مجموعه تحلیل  
گفتمان رسانه‌های جهان

(کتاب دوم)

تألیف

دکتر حسن بشیر



## فهرست مطالب

---

|     |                                                                                          |
|-----|------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۷   | پیش‌مقدمه                                                                                |
| ۹   | مقدمه مولف                                                                               |
|     | تحلیل اول: تحلیل گفتمان مصاحبه لری کینگ با رئیس‌جمهوری ایران و مقایسه آن با سه           |
| ۲۳  | رئیس‌جمهوری دیگر                                                                         |
|     | تحلیل دوم: مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سه مقاله‌های جمهوری اسلامی |
| ۵۵  | و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس هشتم (از ۲۵ اسفند ۱۳۸۶ تا ۶ اردیبهشت ۱۳۸۷) -    |
| ۷۹  | تحلیل سوم: سقوط فرعون و دیپلماسی توطئه                                                   |
| ۹۱  | تحلیل چهارم: تسخیر سفارتخانه‌ها، بیداری اسلامی و گفتمان مردمی                            |
| ۹۹  | تحلیل پنجم: بیداری اسلامی و آگاهی مردمی: از فلسطین تا وال استریت                         |
| ۱۱۳ | تحلیل ششم: آمریکا و توهم دموکراسی: دیپلماسی علیه دیپلماسی                                |
| ۱۲۳ | تحلیل هفتم: شکار «جانور» و دیپلماسی سه بعدی آمریکا                                       |
| ۱۳۷ | تحلیل هشتم: «دیپلماسی دوشخصیتی» و «افسردگی سیاسی»                                        |
| ۱۴۵ | تحلیل نهم: یک سال گذشت: از «دیپلماسی سکوت» تا «پایان دیپلماسی»                           |

## پیش‌مقدمه

امروز رسانه‌ها دیگر آن معنای سنتی گذشته را ندارند؛ دیگر صرفاً ابزار اطلاع‌رسانی محض محسوب نمی‌شوند بلکه در جریان اطلاع‌رسانی، انتخاب‌کننده هستند، خبرهایی را منعکس می‌کنند که خود می‌خواهند، آنگونه که مدنظر دارند آنها را پردازش می‌کنند، به گونه‌ای قلم می‌زنند که معناهای متعددی از آن قابل برداشت باشد و نهایتاً به شیوه‌ای اخبار را نشر می‌دهند که تأثیر خاصی بر جا گذارد و اندیشه عمومی را به سمتی که سیاست‌گذاران آن رسانه‌ها می‌خواهند، سوق دهد. بی‌تردید رسانه‌ها دیگر آن مفهوم گذشته را ندارند؛ اغلب آنها از پشته‌های قدرتمند سیاسی و اقتصادی برخوردارند و به گونه‌ای نقش بازی می‌کنند که بتوانند در عین اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و سیاست‌پروری کنند.

امروز رسانه‌ها نه تنها عامل جنگ نرم هستند بلکه حتی آتش‌بیار جنگ سخت هم شده‌اند و این از زمینه‌سازی‌های این رسانه‌ها در جنگ افغانستان و عراق و... قابل لمس است.

همه کارکردهای رسانه‌های امروز موجب شده است تا تحلیل و درک مفهوم واقعی آنچه رسانه‌ها به دنبال بیان و تأکید آن هستند، برای مخاطب عام دشوار آید.

«تحلیل گفتمان رسانه‌ها» علمی بین رشته‌ایست که می‌تواند در شناخت این اهداف رسانه‌ای نقش مؤثری ایفا کند. تحلیل گفتمان رسانه‌ای نه تنها امری پیچیده است بلکه به تخصص‌های ویژه‌ای نیز نیاز دارد؛ از جامعه‌شناسی گرفته تا سیاست، از اقتصاد تا تکنیک‌های جنگ نرم، از مردم‌شناسی تا علوم ارتباطات و ...

آنچه در جلد دوم این کتاب پیش روی شماست، تحلیل گفتمانی رسانه‌های خارجی است در مورد موضوعات روز که از سوی دکتر حسن بشیر، استاد ارتباطات بین‌الملل، مورد تحلیل قرار گرفته است. وی تلاش کرده است متناسب با موضوعات روز، تحلیل نسبتاً جامعی از گفتمان‌های موجود رسانه‌های خارجی در خصوص آن موضوعات ارائه دهد که بی‌تردید الگویی مناسب برای علاقه‌مندان به مباحث تحلیل گفتمانی خواهد بود.

امیرعباس تقی‌پور

## مقدمه مؤلف

در مقدمه کتاب اول «رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمان» از (مجموعه تحلیل گفتمان رسانه‌های جهان) علاوه بر معرفی احتمالی روش تحلیل گفتمان، تلاش شد که روش اینجانب در تحلیل گفتمان که به نام «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» (پدام) (Practical Discourse Analysis) (PDAM) (Method) می‌باشد، معرفی گردد. در مقدمه کتاب دوم این مجموعه، با نگاهی مختصر به آنچه قبلاً نوشته شده، روش مزبور با تفصیل بیشتر مورد تشریح قرار گرفته است. این روش، عملیات فرآیندی روش تحلیل گفتمان را با ساده‌ترین وجه ممکن معرفی می‌کند و شیوه انجام آن را به معرض نمایش می‌گذارد.

در حقیقت آنچه در این روش مورد تأکید قرار می‌گیرد این است که کشف معناهای یک متن، نیازمند روشی است که خود باید کمترین ابهام را برای کشف این معناها داشته باشد. اگر این روش دارای ابهام باشد، نمی‌تواند ابهام‌های متن را بازگشایی کند و معنایی روشی، قابل قبول و مستند به مخاطبان ارائه نماید. بنابراین، در تحلیل گفتمان، روش بیش از اصل متن باید مورد توجه قرار گیرد. متن تحلیل یافته بر اساس روش بکار گرفته شده، معنای نهایی می‌یابد و این روش است که در حقیقت کدهای معنایی را بازگشایی کرده و نقش اساسی در ساخت معناهای جدید دارد.

همچنین تأکید شد ناگفته‌هایی که تلاش می‌شود با این روش به گفته‌های قابل فهم تبدیل شوند، گفته‌هایی فراتر از متن هستند که بدون متن نیز نمی‌توانند مورد مکاشفه قرار گیرند. در حقیقت کشف معناهای نهان، بدون تکیه بر معناهای آشکار ممکن نیست. همانگونه که تحلیل‌های کیفی، نمی‌توانند گسست کامل از تحلیل‌های کمی داشته باشند. کمیت، وجه دیگر جهان کیفی است و این واقعیت دو وجهی بدون کمیت و کیفیت نمی‌تواند وجود داشته باشد. این همگرایی میان کمیت و کیفیت به معنای این نیست که شیوه‌های تحلیلی آنها نیز باید با یکدیگر شباهت داشته

باشند. یا اینکه، آنچه به عنوان عناصر اصلی روش‌های کمی تحلیل مطرح هستند، در روش‌های کیفی تحلیل نیز با یکدیگر تطابق داشته یا با یکدیگر شباهت کامل دارند.

در حقیقت تحلیل گفتمان نه تنها تلاشی برای تحلیل متن در زمینه‌های موقعیتی و دستیابی به معناهای فرامتنی است، بلکه خروج از معنای هژمونیک تحت اللفظی و کشف معناهای ضمنی و پنهان متن نیز می‌باشد. کشف این معانی، بدون درک واقعی معناهای تحت اللفظی و آشکار متن امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر همانگونه که برای انجام هر تحلیل، روش‌های کمی تحلیل مورد نیاز هستند و بدون توجه به آنها نمی‌توان به تحلیل‌های کیفی دست یافت، دستیابی به معناهای ضمنی و پنهانی متن، بدون شناخت کافی معناهای تحت اللفظی امکان پذیر نمی‌باشد. در حقیقت معناهای آشکار، کانال مطمئن ما برای انتقال از آنها به معناهای پنهان است. روش تحلیل گفتمان را می‌توان در اینجا همان «کانال مطمئن» دانست که بدون آن نمی‌توان از مرحله‌ای به مرحله بعدی در کشف معنا انتقال یافت.

همین اینجا است که می‌توان گفت در تحلیل‌های قابل قبول که از روایی و پابلانی مناسبی برخوردار هستند، باید نوعی از تعادل میان بکارگیری روش‌های کمی و کیفی از یک طرف و توجه به معناهای تحت اللفظی و ضمنی از طرف دیگر وجود داشته باشد. بسیاری از تحلیل‌های کیفی که فاقد بخش روایی کافی می‌شوند، معمولاً در این حوزه تعادلی دچار اختلال می‌گردند.

دستیابی به نوعی از عینیت معنایی نیز در تحلیل گفتمان حائز اهمیت است. ذهنی‌گرایی شاید بتواند خاستگاه اولیه برای کشف معناها باشد، اما بدون رسیدن به یک عینیت معنایی، به معنای ایجاد رابطه میان معنا و واقعیت جهان بیرونی، ماندن در فضای ذهنیت، نتایجی عملی به دست نخواهد داد که بتوانند راهگشای زندگی واقعی باشند.

خروج از تحلیل‌های ذهن‌گرا، در تحلیل گفتمان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های روایی تحلیل است. خروج از ذهنیت در ارائه تحلیل به معنای عدم توجه به معناهای انتزاعی و ذهنی در فرآیند تحلیل نیست. توجه به عینیت و ذهنیت در تحلیل‌های کیفی یکی از اصلی‌ترین مسائلی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرند. در تحلیل گفتمان نیز این مساله حائز اهمیت زیاد است. اما فرآیند عملیاتی باید از عینیت بیش از ذهنیت برخوردار باشد. به عبارت دیگر، همانگونه که روش‌های کمی نوعی از عینی‌سازی آماری را برای ایجاد ارتباط معنایی میان محتوا و فهم ایجاد می‌کنند، روش‌های تحلیل گفتمانی باید نوعی از عینیت‌سازی کیفی را برای شیوه کشف معنا و مصادیق معنایی را بازتاب دهند. به نظر نگارنده، علیرغم اینکه برخی از روش‌ها همچون روش ون دایک، در تلاش است رویکردهای عینی‌تری به واژه‌ها، مفاهیم، روابط دستوری و غیره بدهد اما نهایتاً در دام جزایر جداگانه معنای کلمات و مفاهیم و فرمول‌های دستوری می‌افتد.